

طرق اثبات رؤیت هلال در فقه حنفی

□ عبدالاحمد میرزایی *

چکیده

طرق اثبات رؤیت هلال از مباحث مهم در فقه اسلامی و زندگی اجتماعی مسلمین است، فقها از دیر باز معیارها و ملاک های شان را، برای اثبات هلال بیان نموده اند در فقه حنفی که از بدوی تولد در طول سیر زمانی خودش همواره در بخش های از سرزمین اسلامی فقهی حکومتی و مسند نشین بوده، پُررنگ ترین شیوه برای اثبات رؤیت هلال، حکم حاکم (والی / قاضی) معرفی شده است.

کلیدواژه ها: رؤیت هلال، هلال رمضان، هلال شوال، حکم حاکم، اتحاد افق.

* دانشجوی دکتری فقه مقارن مجتمع عالی فقه جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمية.

مقدمه

بحث رؤیت هلال یکی از مباحث مهم در فقه اسلامی است چون برخی از وظایف و تکالیف بندگان مشروط به زمان خاص و قرار گرفتن هلال در موقعیت خاص است، تکالیف که موقعیت خاص هلال در آن شرط شده است یا جزء اعمال غیر الزامی است مانند استحباب روزه یا نماز در اول ماه، اعمال شب قدر و... یا جزء اعمال الزامی است مانند وجوب روزهی ماه رمضان، حرمت روزه در عیدین رمضان و قربان، اعمال حج. بنابر این شناخت موقعیت هلال بخاطر انجام تکالیف الهی برای انسان مسلمان از باب مقدمه واجب، خود تکلیف دیگری است که بر عهده مسلمانان گذاشته شده است.

اعمال که در آن موقعیت و جایگاه خاص هلال شرط شده است، هرچند تکالیف فردی و الزامات (واجب/ حرام) عینی هستند اما دارای جنبه، نمود و ظهور اجتماعی قوی نیز می باشد، اتحاد و همرنگی مسلمانان در انجام این اعمال همان مقدار جلوه نیک و پسندیده دارد که اختلاف و چندرنگی در انجام آن نمود زشتی، تفرقه و تمسخر دارد.

بحث از شناخت موقعیت هلال در فقه اسلامی بخاطر این که مقدار روزهای ماه های قمری متفاوت است هرچند هر ماه می تواند مورد تکلیف مکلفان باشد مانند کسی که نذر نموده روزی خاصی از هر ماه را عملی خاصی انجام دهد، اما بیشتر در ارتباط با ماه شعبان، رمضان، شوال و ذی الحجة، مورد بحث قرار گرفته است، و مهم ترین مورد آن نیز شناخت هلال رمضان است زیرا با شناخت و رؤیت هلال روزه رمضان واجب می شود و در مرتبه بعد هلال شوال است زیرا با رؤیت و اثبات آن حرمت روزه در آن روز به خاطر عید فطر اثبات می شود.

شناخت موقعیت هلال یکی از بحث های قدیمی و دامنه دار در فقه اسلامی است، مذاهب اسلامی راه ها و طرقی را برای شناخت موقعیت هلال معرفی نموده و معتبر دانسته اند ما در این نوشتار طرق اثبات هلال در مذهب حنفی را بحث نموده و اما این که این معیارها را مذاهب دیگر قبول دارند یا نه و این که مذاهب دیگر چه طرق و ملاک های برای شناخت و اثبات رؤیت هلال معتبر می دانند چون خارج از موضوع این تحقیق است، به آن ها نخواهیم پرداخت.

در کتب فقهی حنفی برای اثبات هلال اول ماه مباحث مبسوط و مستدلی موجود نیست و

حتی در کتب فقهی مطول و مبسوط مانند المبسوط امام سرخسی یا شروح متعدد الهدایة فی شرح بدایة المبتدی بیشتر از ده صفحه مطلب راجع این مسئله ننوشته‌اند (بر خلاف کتب فقهی امامیه که در این رابطه کتب مستقل و مباحث مستقل فراوانی موجود است)، همین مقدار موجود نیز بیشتر تکرار فتاوی است که در کتب دیگر بیان شده و کمتر به استدلال برای اثبات حکم پرداخته شده و نوعاً تنها به بیان فتاوی ائمه مذهب بسنده و اکتفا شده است و بر اثر گذر زمان اگر زاویه جدیدی باز شده است فقها و مؤلفان بعدی نسبت به آن اظهار نظر نموده‌اند. در مجموع می‌توان مباحث که فقهای حنفی در ارتباط با اثبات رؤیت هلال بیان نموده‌اند را در چند دسته گنجانند و تقسیم بندی نمود.

الف: وظیفه مکلف نسبت به تفحص و جستجوی برای دیدن هلال

ب: طرق اثبات رؤیت هلال برای عموم مردم.

ج: اتحاد یا اختلاف افق

و مسایل ریز دیگر که در ضمن هر کدام از این سه عنوان بحث و بیان می‌شود.

الف: وظیفه مکلف نسبت به تفحص و جستجوی برای دیدن هلال

برخی اعمال که مقید به زمان و موقعیت خاص هلال است، تکالیف الزامی است. مانند وجوب روزه ماه رمضان و شناخت آغاز ماه و پیدا نمودن موقعیت هلال مقدمه‌ای انجام این تکالیف الزامی است بنابراین، تفحص و جستجو برای دیدن هلال در شبی که احتمال دارد اول ماه باشد به مکلف برای انجام تکلیف شرعی و دینی کمک می‌کند و مقدمه‌ی یک تکلیف الزامی شرعی است، لذا فقهایی حنفی جستجوی هلال را از جمله واجبات کفای شمرده و آن را حتی بر زنان هرچند بدون اذن شوهر واجب و لازم دانسته‌اند (البته در صورتی که دیدن هلال متوقف بر خروج زنان برای تفحص هلال باشد) ابن عابدین دمشقی در این زمینه می‌نویسد: «يجب على الجارية المخدرة ای التي لا تخالط الرجال وكذا يجب على الحرة ان تخرج بلا اذن زوجها وكذا المخدرة المزوجة بالاولی وقال ط: و الظاهر ان محل ذلك عند توقف اثبات الرؤية عليها و الا فلا» (ابن عابدین دمشقی، حاشیه ابن عابدین، ۳/ ۳۱۵)

قدوری در این رابطه می‌نویسد: «و ینبغی للناس ان یلتمسوا الهلال فی الیوم التاسع و العشرین من شعبان، و ان رأوه صاموا...»^۱ (قدوری، مختصر القدوری، ۱۳۲) مردم باید در روز ۲۹ شعبان به جستجوی هلال ماه نو پردازند، اگر هلال را دیدند باید روزه بگیرند. در حکم وجوب کفایی جهت تلاش در رؤیت هلال رمضان و شوال ظاهراً احناف اختلافی ندارند البته برخی به صراحت به این وجوب تصریح نموده^۲ و برخی دیگر تصریحی ندارد ولی کسی قول خلاف آن را نیز نگفته است. احناف برای اثبات این حکم (اصل حکم تفحص و در ثمره آن = اثبات یا رد رؤیت هلال). به ادله‌ی تمسک و استناد نموده‌اند.

اصل حکم تفحص

در ارتباط با اصل حکم تفحص آقای صاغر جی می‌نویسد: «جستجو و تلاش برای یافتن هلال ماه مبارک رمضان واجب کفایی است... جستجو برای یافتن ماه نو و استهلال سنت پیامبر مکرم اسلام ﷺ و سلف صالح است... و ابی هریره از پیامبر نقل می‌کند که پیامبر فرمود: «صوموا لرؤیته و افطروا لرؤیته» با دیدن ماه روزه بگیرید و با دیدن ماه افطار کنید» (صاغر جی، الفقه الحنفی و ادلته، ۳۸۷/۱-۳۸۸)

و نیز گفته شده چون ماه‌های قمری گاهی سی روزه است و گاهی بیست و نه روزه، لذا باید در شب سی‌ام باید به جستجوی هلال رفت تا تکلیف و وظایف مکلف روشن گردد آقای حلبی در این رابطه می‌گوید: «کوشش برای دیدن ماه نو در آخر ماه شعبان یک واجب شرعی کفایی است، علت وجوب این تلاش آن است که در برخی موارد ماه ناقص و کمتر از سی روز است» (حلبی، فقه العبادات علی المذهب الحنفی، ۲۶۳)

نتیجه تفحص

احناف برای اثبات ثمره و نتیجه‌ای این تفحص (رؤیت یا عدم رؤیت هلال)، نیز به آیه شریفه، روایات و اصل عملی تمسک نموده‌اند.

از آیات قرآن به آیه شریفه «فمن شهد منکم الشهر فلیصمه» (مسلمانانی که هلال ماه

مبارک رمضان را می‌بینند باید روزه بگیرند) استناد شده و مدلول آن در صورت رؤیت روشن و مبین است. و از مفهوم آن نیز می‌توان برای عدم تنجز تکلیف صوم در صورت ندیدن هلال بهره برد.^۳

از روایات به روایت ابی هریره تمسک نموده‌اند. در آن روایت حکم هردو صورت احراز رؤیت هلال و عدم آن بیان گشته است در این روایت پیامبر می‌فرماید: «صموا لرؤیته و افطروا لرؤیته، فان غمّ علیکم فاکملوا عدّة شعبان ثلاثین یوما»^۴ با دیدن هلال ماه رمضان روزه بگیرید و با دیدن هلال ماه شوال افطار و عید کنید، اگر هوا در آخر ماه شعبان طوری ابری و غبار آلود بود که هلال قابل دیدن نباشد، در آن صورت ماه شعبان را سی روز کامل قرار دهید، و بعد از آن روزه بگیرید.

در تمسک به اصل می‌توان چنین گفت: وقتی نسبت به وجود هلال قبل یقین داریم الآن نسبت به حلول هلال جدید شک داریم اصل بقاء همان ماه قبل است مگر این که با دلیل از آن گذشته و داخل در ماه جدید گشته باشیم. لذا کاسانی می‌نویسد: «برای این که اصل، بقای ماه قبل و کامل بودن آن است، این اصل را نمی‌توان ترک کرد مگر زمانی که یقین کنیم ماه قبل تمام شده است، روشن است چیزی که با یقین ثابت شده از بین نمی‌رود مگر با قطع و یقینی همانند یقین سابق» (کاسانی حنفی، بدایع الصنائع، ۱۲۹/۲) به تعبیر بهتر تنها یقین می‌تواند با یقین هماوردی کند، شک را چنین جرئت و توانی نیست که با یقین هماوردی و مبارزه طلبی کند.

و صاغرجی نیز می‌گوید: «چون هلال ماه قبل ثابت و یقینی است، بدون دلیل نمی‌توان از این یقین دست کشید، آن دلیل دو چیز بیشتر نیست، یک دیدن هلال ماه جدید؛ دو کامل شدن سی روز ماه قبل. این یک قاعده کلی نسبت به تمام ماه‌ها سال است» (صاغرجی، الفقه الحنفی و ادلته، ۳۸۷/۱-۳۸۸)

بنابر این می‌توان گفت، تلاش برای دیدن هلال ماه رمضان در شب سی‌ام شعبان و هلال شوال در شب سی‌ام رمضان از نظر فقه حنفی یک تکلیف و جوبی کفایی است. اگر هلال دیده شود ماه نو اثبات می‌شود و گرنه ماه را کامل شمارش نموده و سی روزه قرار می‌دهند. اما در این که رؤیت دارای چه شرایطی باشد، آیا تنها برای فردی که ماه را دیده هلال اثبات می‌شود یا

برای همگان هلال ماه اثبات می‌شود، مباحث وجود دارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

ب: طرق اثبات رؤیت هلال.

در کتب فقهی حنفی سه طریق برای اثبات هلال بیان شده، این سه طریق عبارتند از: الف: رؤیت هلال توسط مکلف؛ ب: کامل شدن سی روز ماه؛ ج: حکم حاکم.

رؤیت هلال توسط مکلف

در ارتباط با رؤیت هلال فقهای حنفی بین رؤیت هلال رمضان و رؤیت هلال شوال در برخی موارد تفاوت قایل شده‌اند لذا هر کدام به صورت مجزا مورد بحث قرار خواهد گرفت.

هلال رمضان

اگر کسی هلال رمضان را دید شکی نیست که بر اساس مستندات موجود در منابع اسلامی وجوب روزه برایش منجز و تثبیت می‌شود؛ فقهای حنفی نیز با تمسک به همین ادله ثبوت رمضان را برای کسی که هلال را دیده مسلم و قطعی معرفی نموده‌اند در این رابطه می‌توان گفتارهای فقهای حنفی را متذکر شد که بر اساس ادله موجود حکم به ثبوت رمضان نموده‌اند. قدوری می‌نویسد: «اگر مسلمین هلال ماه رمضان را دیدن باید روزه بگیرند... و اگر کسی به تنهای هلال ماه رمضان را دید، باید خودش روزه بگیرد. (قدوری، مختصر القدوری، ۱۳۲) نسفی می‌نگارد: «اینکه مؤلف در متن گفته است «و یشبت رمضان برؤیه هلاله» دلیلش حدیث صحیحی است که فرموده: با رؤیت و دیدن هلال ماه رمضان، روزه بگیرید» (نسفی، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ۴۱۷/۲)

حلبی می‌گوید: «روزه ماه رمضان با یکی از این امور چندگانه واجب می‌شود.... یکی از آن امور دیدن هلال ماه مبارک رمضان است، دلیل آن حدیثی است که گذشت و نیز حدیث ابی هریره از پیامبر ﷺ که حضرت فرمود: با دیدن هلال ماه رمضان روزه بگیرید» (حلبی، فقه العبادات علی المذهب الحنفی، ۲۶۳-۲۶۵)^۵

بنابر این کسی که ماه را دیده روزه برای خودش واجب می‌شود اما این که دیده شدن هلال

توسط فردی وجوب روزه را برای دیگران نیز ثابت کند، محل اشکال است. هرچند آقای زحیلی در این رابطه می‌نویسد: «اقوال فقها در رابطه با طرق اثبات هلال ماه رمضان و هلال ماه شوال بین سه جهت مردد است، یک: دیده شدن هلال توسط جمعی زیادی از مردم؛ دو: دیده شدن هلال توسط دو نفر مسلمان عادل؛ سه: دیده شدند هلال توسط یک مرد عادل...» (زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۱۶۵۱/۲)، اما ظاهراً در فقه حنفی زمانی می‌توان، گفت دیدن ماه توسط یک نفر برای دیگران حجت است و وجوب صوم را اثبات می‌کند، که حکم حاکم نیز به آن ضمیمه شود، در غیر آن، رؤیت هلال تنها برای بیننده آن حجت است و برای دیگران حکمی را اثبات نمی‌کند؛ زیرا در کتب فقهی احناف موارد ثبوت روزه برای دیگران، منوط به حکم حاکم گشته است، تنها در یک صورت دیدن هلال بدون ضمیمه نمودن حکم حاکم پذیرفته شده و آن روستاهای است که در آن والی و حاکمی وجود نداشته باشد، کسی که ماه را دیده اگر آدم ثقه باشد دیگران نیز باید با خبر دادن او از رؤیت هلال روزه بگیرند.

نسفی در این رابطه می‌نویسد: «و من رأى هلال رمضان فى الرستاق و ليس هناك والٍ و قاضٍ فإن كان ثقة يصوم الناس بقوله» (نسفی، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ۴۱۹/۲-۴۲۴) ابن عابدین نیز به این مطلب تصریح دارد (ابن عابدین دمشقی، حاشیه ابن عابدین، ۳۱۶/۳)

هلال ماه شوال

در ارتباط با هلال شوال فقهایی حنفیه می‌گویند اگر افراد زیادی دید و به حاکم رجوع نمود و حاکم نیز حکم به ثبوت شوال و عید نمود برای همگان رؤیت هلال شوال ثابت می‌شود. اگر یک نفر دید باشد و حاکم شهادت او را قبول کند^۲ بازهم برای همه عید ثابت می‌شود اما اگر حاکم شهادت او را نپذیرد، برای دیگران عید ثابت نمی‌شود هیچ؛ که برای خود شخص نیز عید محسوب نمی‌گردد و باید آن روز را زوزه بگیرد. همان مستندات که در رابطه با هلال رمضان موجود بود در این مورد نیز موجود است اما فقهایی حنفی می‌گویند چنین کسی باید روزه بگیرد هرچند خودش هلال را دیده باشد زیرا شاید اشتباه دیده باشد. در این راستا به

روایت نبوی استناد نموده و ندیدن دیگران را دلیل بر اشتباه این بیننده هلال دانسته‌اند.

نسفی می‌گوید: «کسی که هلال ماه رمضان یا شوال را ببیند و شهادش نزد حاکم رد گردد، باید روزه بگیرد، اگر افطار کند و آن روز را روزه نگیرد باید قضایش را به جا بیاورد... حدیث مربوط به هلال ماه شوال «صومکم یوم تصومون و فطرکم یوم تفطرون» است، مردم در آن روز افطار نکرده‌اند، چنین فردی نیز نباید افطار کند باید همانند مردم رفتار کند، چون مردم با آن حرص و ولعی که برای دیدن هلال ماه شوال دارند بازهم کسی هلال را ندیده و تنها او هلال را دیده این خود، دلیل این امر است که اشتباه کرده و خیال نموده که هلال را دیده... حاکم و امام جامعه نباید با دیده شدند هلال توسط یک نفر مردم را امر به روزه گرفتن یا به افطار کردن نموده و عید کند، بلکه شخص حاکم نیز در این مسئله با دیگران تفاوتی ندارد در صورتی که تنها خود حاکم هلال را ببیند و دیگران نبیند اگر هلال ماه رمضان است باید خودش روزه بگیرد و نمی‌تواند مردم را امر به روزه گرفتن نماید و اگر هلال ماه شوال است نمی‌تواند خودش افطار کند باید با مردم روزه بگیرد» (نسفی، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ۴۱۹/۲-۴۲۴)

زیلعی می‌نویسد: «کسی که هلال ماه رمضان یا هلال ماه شوال را دیده اگر شهادتش نزد حاکم رد شده است، باید روزه بگیرد... اما در هلال ماه شوال احتیاط چنین اقتضا می‌کند که روزه بگیرد و عید نکند مگر زمانی که مردم عید می‌کند. به دلیل روایت نبوی «صومکم یوم تصومون و فطرکم یوم تفطرون»... و مردم در آن روز عید نکرده‌اند، پس او نیز باید عید نکرده و با مردم همراهی کند. چون با توجه به این که جمع زیادی از مردم اتفاق نظر دارند هلال شوال دیده نشده این خود می‌رساند که او اشتباه کرده و او نیز هلال را ندیده است، زیرا دیگران در میزان بینایی و تیزبینی، شناخت منازل و جایگاه قمر در آسمان و حرص و تلاش برای دیدن هلال با او مشترک هستند» (زیلعی حنفی، تبیین الحقائق، ۱۵۹/۲)

ابن رشد در این زمینه می‌نویسد: «... فقهای مذاهب اسلامی اختلاف دارند آیا کسی که به تنهایی هلال ماه شوال را دیده باید افطار کند یا خیر؟ مالک، ابوحنیفه و احمد نظرشان این است که چنین شخصی نباید عید کند و باید روزه بگیرد. شافعی نظرش این است که چنین کسی باید افطار و عید کند... این که بین هلال ماه رمضان و هلال ماه شوال تفاوت قایل

شده‌اند، علتش سد ذرایع و جلوگیری از تحقق مقدمه حرام است، فقها خواسته‌اند با فرق گذاشتن بین هلال رمضان و شوال جلو ادعای فساق را بگیرند تا فساق در حالی که هلال را ندیده‌اند مدعی دیدن آن نشوند» (ابن رشد قرطبی، بدایة المجتهد، ۱/۲۹۲-۲۹۳)

همان گونه که دیدن هلال شوال برای بیننده بدون حکم حاکم، هلال شوال را اثبات نمی‌کند به طریق اولی برای دیگران نیز نمی‌تواند هلال شوال را اثبات کند مگر در روستاهای که والی و قاضی ندارند در این صورت می‌تواند با خبر دادن دو نفر عادل افطار نمود و هلال شوال اثبات می‌شود. نسفی می‌نویسد: «و من رأى هلال رمضان فى الرستاق و لیس هناك والٍ و قاضٍ... و فى الفطر ان اخبر عدلان برؤية الهلال لا بأس بأن يفطروا» (نسفی، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ۲/۴۱۹-۴۲۴)

بنابر این در هلال ماه رمضان اگر کسی یا کسانی هلال ماه نو را بنگرند برای خودشان رؤیت هلال رمضان اثبات می‌شود اگر نزد حاکم رفتند و حاکم شهادت و دیدن هلال آنان را قبول کرد، برای دیگران نیز هلال و آغاز ماه رمضان اثبات می‌شود و اگر نزد حاکم نرفتند، یا حاکم به هر علتی شهادتشان را مردود اعلام نمود رؤیت هلال و آغاز رمضان برای مردم اثبات نمی‌شود.

اما در هلال شوال اگر حاکم شهادت این فرد یا افراد را نپذیرد هلال نو بنابر فقه حنفی حتی برای خود این فرد یا افراد نیز اثبات نمی‌گردد و باید آن روز را همانند دیگران روزه بگیرند. و روز دیگر با مردم عید کنند.

کامل شدن سی روز ماه

دومین طریقی که برای اثبات هلال در فقه حنفی بیان شده است، کامل شدن سی روز ماه است. کامل شدن سی روز از دو جهت بیان می‌شود اول اینکه روزهای ماه از سی روز بیشتر نیست و چون روز سی یکم در گردش قمر نداریم، لذا روز سی یکم آغاز ماه بعد است. دوم اینکه در روایات نبوی داریم که اگر در روز بیست نهم، ماه دیده نشد باید شمارش عدد سی روز را کامل کنید.

نسفی در این رابطه می‌نویسد: «و یثبت رمضان برؤية هلاله، او بعد شعبان ثلاثین یوما»

آغاز رمضان با دیدن هلال ماه رمضان یا بعد از گذشت سی روز از ماه شعبان ثابت می‌شود (نسفی، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ۴۱۷/۲)

صاغر جی می‌نگارد:

و اگر هوا ابری و مه آلود بود ماه شعبان را باید سی روز کامل فرض کنند... چون هلال ماه قبل ثابت و یقینی است، بدون دلیل نمی‌توان از این یقین دست کشید، آن دلیل دو چیز بیشتر نیست، یک دیدن هلال ماه جدید؛ دو کامل شدن سی روز ماه قبل. این یک قاعده کلی نسبت به تمام ماه‌ها سال است (صاغر جی، الفقه الحنفی و ادلته، ۳۸۷/۱-۳۸۸)

برخی دیگر بعلاوه روایت سی روزه بودن ماه، برای اثبات آن به اجماع نیز تمسک نموده و حلبی در این مورد می‌نویسد: «... استكمال شعبان ثلاثين يوما ان غم الهلال بغيم او غبار، و ذلك بالاجماع و روى عن ابن عمر ان رسول الله ص قال: ... فان غم عليكم فاكملوا عدّة ثلاثين» (حلبی، فقه العبادات علی المذهب الحنفی، ۲۶۳-۲۶۵)

البته قابل ذکر است، در صورتی می‌تواند سی روز علامت یقینی، برای شروع هلال ماه جدید باشد که آغاز ماه قبل به صورت روشن و مبرهن معلوم باشد، ابن عابدین می‌گوید:

بعد از گذشت سی روز از ماه رمضان در صورت که روزه گرفتنش با شهادت عدلین بوده، افطار جایز می‌شود. اما اگر با شهادت عدل واحد بوده مانند مواردی که هوا ابر آلود بوده و رؤیت امکان پذیر نبوده بنابر مذهب حنفی افطار بعد از سی روز جایز نیست مگر براساس فتاوی محمد^۷ (ابن عابدین دمشقی، حاشیة ابن عابدین، ۳۲۱/۳)

با توجه به فتاوی فقهای حنفی که برخی از آن‌ها بیان شد می‌توان گفت کامل شدن سی روز برای همگان علامت شروع ماه جدید است و ثبوت آن نیازی به حکم حاکم ندارد.

ج: حکم حاکم

سومین طریقی که در فقه حنفی برای اثبات هلال رمضان بیان شده، حکم حاکم است، این راه شایع ترین طریق و روش برای اثبات هلال جدید است، و حاکم نیز باید بر اساس شواهدی که بیان می‌شود حکم شروع ماه جدید را اعلام کند، در این که حاکم با چه شرایط و ضوابطی می‌تواند حکم کند در ادامه به آن می‌پردازیم.

احناف در بیان موارد و شرایط، به وضعیت جوّی آب و هوا توجه نموده و می‌گویند: در شب سی‌ام که مردم باید برای دیدن هلال بیرون بیایند و تلاش کنند. اگر هوا روشن و صاف باشد قاضی در صورتی می‌تواند حکم به شروع ماه جدید کند که جمع زیادی هلال ماه جدید را دیده و نزد قاضی شهادت بدهند.

در این که معیار برای تشخیص «جمع زیاد» چیست؟ و باید چه مقدار و چند نفر باشند جمع زیاد صدق کند؟ فقهای حنفیه اختلاف نظر دارند. ظاهراً دو معیار نظر حاکم (امام/قاضی) و تناسب جمعیت، در تعیین مصداق «جمع زیاد» دخالت دارد؛ زیرا گفته شده شهادت پانصد نفر برای شهری مانند بلخ قلیل محسوب می‌شود نه کثیر و شهادت هزار نفر برای شهری مانند سمرقند کم شمرده می‌شود نه جمع کثیر، به هر صورت گفته‌اند طوری باشد که از هر محله و مسجدی کسانی هلال را دیده باشند.

نسفی می‌نویسد:

مقصود از جمع عظیم و زیاد این است، زمانی که آسمان ابری و غبار آلود نباشد باید جمع زیادی شهادت دهند طوری که از خبر و شهادت آنان علم پیدا کنیم منظور از علم همان ظن غالب و اطمینان است نه یقین... ابی یوسف گفته است، مقصود از جمع عظیم همان عدد قسامه یعنی پنجاه مرد است، خلف بن ایوب گفته است پانصد نفر در بلخ مصداق جمع کثیر نیست بلکه قلیل و کم محسوب می‌شود. گفته شده بهتر است طوری باشد که از هر مسجد، یک دو نفری هلال ماه نوراً دیده باشد، محمد گفته است معیار در قلت و کثرت نظر حاکم جامعه است، همین مطلب در بدایع و فتح القدیر نیز آمده است، حق در قلت و کثرت همان نظر محمد و ابی یوسف است، محمد گفته است هر چیزی را که حاکم زیاد بداند زیاد است و هر چیزی را که حاکم جامعه کم قلمداد کند، کم خواهد بود. (نسفی، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ۴۱۹/۲-۴۲۴)

حلبی در این زمینه می‌نویسد: «روزه ماه رمضان با یکی از امور ذیل واجب می‌شود... همین طور واجب می‌شود زمانی که هلال رمضان با حکم حاکم تثبیت شود» (حلبی، فقه العبادات علی المذهب الحنفی، ۲۶۳-۲۶۵)

ابن رشد قرطبی می‌نگارد:

... برای اثبات هلال دو راه وجود دارد یکی حس است و دیگری خبر... ابوحنیفه گفته

است... اگر هوا صاف و تمیز باشد تنها شهادت افراد متعدد و فراوان مورد قبول است، و از ابوحنیفه نقل شده است که اگر آسمان ابری و مه آلود باشد شهادت دو نفر عادل در مورد اثبات دیدن هلال اول ماه پذیرفته می‌شود (ابن رشد قرطبی، بدایة المجتهد، ۲۹۲/۱-۲۹۳) زحیلی نیز در این رابطه می‌نویسد «در صورتی که آسمان صاف و تمیز باشد برای اثبات هلال ماه رمضان و عید باید گروهی زیادی هلال را دیده باشد، معیار اندازه گیری کم و زیاد بودن جماعت و گروه بنابر قول اصح رأی و نظر امام جامعه است» (زحیلی، الوجیز فی الفقه الاسلامی، ۳۳۲/۱) این مطلب در کتب زیادی مانند الفقه الاسلامی و ادلته، (زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۱۶۵۱/۲) حاشیه ابن عابدین، (ابن عابدین دمشقی، حاشیه ابن عابدین، ۳۲۰/۳) بحر الرائق، (نسفی، البحر الرائق فی شرح کنز الدقائق، ۴۱۷/۲) و... بیان شده است اما اگر هوا ابری، تاریک و غبارآلود باشد، یا کسی که مدعی دیدن هلال ماه است در نقطه بلندی قرار داشته باشد که دیگران در آن جا نبوده، یا این که از خارج شهر آمده باشد در این سه صورت حاکم می‌تواند حتی با شهادت یک نفر نیز حکم به حلول ماه جدید نماید. در این که شاهد باید عادل هم باشد یا عدالت لازم نیست فقها اختلاف دارند.

آقای سرخسی در این زمینه می‌نویسد: «فاما اذا كانت السماء مغمية، او جاء من خارج المصر او كان موضع نشز فانه تقبل شهادته عندنا» (سرخسی، المبسوط، ۶۰/۲) همو در جای دیگر می‌نویسد: «اگر یک نفر شهادت دهد که من هلال ماه رمضان را دیده‌ام و آسمان ابری و مه آلود باشد، شهادت او مورد قبول است در صورت که عادل باشد... طحاوی گفته است شهادتش مورد قبول است این عادل باشد یا فاسق تفاوت در پذیرش شهادت او در این مورد ندارد.... گفته شده در این مورد خاص عدالت شرط نیست زیرا تهمت دروغ گفتن از او منتفی است چون با شهادت او همان گونه که روزه برای دیگران اثبات می‌شود برای خودش نیز اثبات می‌شود. اما در دیدن هلال ماه شوال و اثبات عید فطر در صورت که آسمان مه آلود باشد تنها شهادت دو مرد قابل پذیرش است» (سرخسی، المبسوط، ۱۲۸/۲-۱۳۰)^۸

همین طور اگر در بین مردم شایع شود و شهرت پیدا کند که هلال دیده شده، ثبوت هلال بسته به رأی امام و حاکم است ابن عابدین در این مورد می‌گوید: «شهرت دیده شدن هلال در میان مردم طوری که از آن ظن غالب حاصل شود بدون اینکه در آن عدد خاصی ملاک باشد،

این مورد به رأی امام واگذار میشود» (ابن عابدین دمشقی، حاشیه ابن عابدین، ۳/۳۲۰) نکته آخر که در این جا قابل ذکر است این که به نظر فقهای حنفی با ادعای منجمین هلال اثبات نمی‌شود.

نسفی می‌گوید: «پیش بینی‌ها و سخنان منجمین در اثبات هلال اعتباری ندارد، در غایه بیان آمده است کسی که به گفته منجمین در اثبات هلال عمل کند قطعاً مخالف شرع رفتار کرده است؛ زیرا گفته شده اگر کاهن و منجمی نزد کسی بیاید و او سخنان و پیش‌بینی‌های آنان را قبول و تصدیق کند او به آنچه بر پیامبر نازل شده کفر ورزیده است» (نسفی، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ۲/۴۱۷)

تکمله

در تتمه این این بحث ذکر این نکته خالی از فایده نیست که اگر در شهری تنها یک نفر هلال را دیده باشد چنین فردی اگر احتمال می‌دهد که حاکم شهادتش را بپذیرد باید همان شب به حاکم خبر دهد تا حاکم حلول ماه نو را اعلام کند، و اگر شهادتش پذیرفته نشد آیا برای خودش اول ماه اثبات می‌شود یا نه؟ فقهای حنفی نسبت به هلال رمضان اغلب می‌گویند اول ماه برایش اثبات می‌شود و گرفتن روزه برایش واجب است، اما نسبت به هلال شوال اغلب عکس این قضیه را قایل شده‌اند می‌گویند او نمی‌تواند افطار کند باید با امام و مردم عید نماید. حتی گفته شده اگر خود حاکم تنهایی هلال را بنگرد نمی‌تواند حکم به رؤیت هلال کند، هرچند در هلال رمضان می‌تواند روزه بگیرد اما در هلال شوال نمی‌تواند عید کند.

ادله‌ی که فقهای حنفی به آن تمسک نموده‌اند بیشتر دو روایت است^۱ یکی روایت ابی هریره «صوموا لرؤيته و افطروا لرؤيته فان غم عليكم فأكملوا عدّة ثلاثين» و دیگری روایت «صومکم يوم تصومون و فطرکم يوم تفطرون» با اینکه روایت اول رؤیت را ملاک قرار داده و روایت دوم همرنگی با جماعت را اما فقهای حنفی روایت اول بر هلال رمضان تطبیق نموده و روایت دوم را بر هلال شوال منطبق ساخته‌اند تا جایی که نگارنده بررسی نموده جایی دیده نشده که تفاوت این دو هلال را به صورت مستند و مستدل بیان نموده باشد غالباً به صورت

یک رنگ و مکرر برای وجوب روزه و ثبوت هلال رمضان برای چنین فردی به روایت اول و برای وجوب روزه و عدم ثبوت هلال شوال به روایت دوم استدلال می‌شود.
زیلعی می‌نویسد:

کسی که هلال ماه رمضان یا هلال ماه شوال را دیده اگر شهادتش نزد حاکم رد شده است، باید روزه بگیرد برای اثبات هلال ماه رمضان می‌توان به قول خداوند در آیه شریفه «فمن شهد منكم الشهر فليصمه» و روایت پیامبر ﷺ «صوموا لرؤيته و افطروا لرؤيته» استناد و استدلال نمود، این فرد ظاهراً هلال ماه را دیده است، پس بر او عمل به مضمون آیه و روایت واجب است. اما در هلال ماه شوال احتیاط چنین اقتضا می‌کند که روزه بگیرد و عید نکند مگر زمانی که مردم عید می‌کند به دلیل روایت نبوی «صومکم يوم تصومون و فطرکم يوم تفطرون»... و مردم در آن روز عید نکرده‌اند، پس او نیز باید عید نکرده و با مردم همراهی کند. چون با توجه به این که جمع زیاد از مردم اتفاق نظر دارند هلال شوال دیده نشده این خود می‌رساند که او اشتباه کرده و او نیز هلال را ندیده است، زیرا دیگران در میزان بینایی و تیزبینی، شناخت منازل و جایگاه قمر در آسمان و حرص و تلاش برای دیدن هلال با او مشترک هستند (زیلعی حنفی، تبیین الحقائق، ۱۵۹/۲)

چنان که مشاهده می‌شود عین همان استدلال که نسبت هلال رمضان دارند در رابطه با هلال شوال جاری است همان گونه که عین استدلال در رابطه هلال شوال نسبت به هلال رمضان نیز جاری است و کسی اصلاً توجهی به این «یک بام دو هوا» ندارد.^{۱۰}

اتحاد یا اختلاف افق

یکی از مباحث دیگری که در کتب فقهی علمای حنفی در رابطه با ثبوت هلال بیان شده است در ارتباط با اختلاف یا اتحاد افق است، در این مطلب نیز بین حنفی‌ها اختلاف است، اما اغلب‌شان اتحاد افق را پذیرفته و جمعی قایل به اختلاف افق می‌باشند. و بعضی میان شهرهای که فاصله آن‌ها زیاد است و شهرهای که فاصله شان کم باشد تفصیل قایل شده‌اند.

نسفی در این رابطه می‌نگارد:

اختلاف افق اعتباری ندارد بنابر این اگر اهل شهری هلال ماه را دید برای شهرهای دیگر نیز رمضان اثبات می‌شود. در صورتی که به درستی خبر دیده شدن هلال توسط مردم شهر

دیگر به آنان رسیده باشد، شرقیان باید با دیده شدن هلال توسط غربیان روزه بگیرند. و گفته شده اختلاف افق معتبر است، بدین صورت اگر در جایی هلال رمضان دیده شود برای دیگرانی که با آنان اختلاف افق دارند آغاز و هلال ماه رمضان اثبات نمی‌شود... نظر اول ظاهر روایت و احوط است و در فتح القدر نیز چنین گفته شده. نظر اول ظاهر مذهب نیز می‌باشد و فقها بر اساس آن فتوا داده‌اند چنان که در خلاصه گفته شده» (نسفی، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ۴۲۴/۲)

انددریتی دهلوی می‌نویسد:

در کتاب خانیه گفته شده، اختلاف افق معتبر نیست بنابر ظاهر روایت... و بر اساس همین شمس الانمه حلوانی فتوا داده است، او می‌گفت اگر در مغرب هلال ماه رمضان دیده شود بر کسی که در مشرق زندگی می‌کند نیز روزه واجب است. در کتاب ظهیره نقل شده که ابن عباس اختلاف افق را معتبر می‌داند و گفته دیدن هلال مردم هر شهر تنها برای مردم همان شهر حجت و معتبر است. در مختصر قدوری گفته شده اگر فاصله بین دو شهر طوری باشد که موجب اختلاف افق نگردد، دیده شدند هلال رمضان در یکی از این دو شهر برای دیگری نیز کافی است و روزه بر مردم شهر دوم نیز واجب می‌شود اما اگر فاصله طوری باشد که موجب اختلاف افق گردد، دیده شدن هلال در شهری برای مردم شهر دوم کافی نیست و آغاز رمضان برای مردم شهر دوم اثبات نمی‌شود. در فتاویٰ نسفیه پرسش و پاسخی مطرح شده به این مضمون که در شهری دیدن هلال ماه رمضان مشکل و مشتبّه شده و قاضی با شهادت دو نفر عادل حکم به ثبوت هلال رمضان کرده است، آیا مردم شهر دیگر می‌تواند بر اساس حکم قاضی شهر اول یوم الشک را روز اول رمضان قرار دهند و روزه یوم الشک را به عنوان روزه روز اول رمضان بگیرند. در جواب گفته شده مردم شهر دوم در حکم ثبوت آغاز ماه رمضان تابع حکم مردم شهر اول نیست، تنها مردم شهر اول و قریه‌ها و روستاهای اطرافش می‌تواند بر اساس حکم این قاضی عمل کنند» (انددریتی دهلوی، الفتاوی التاتارخانیة فی الفقه الحنفی، ۹۵/۲-۹۶)

ابن مازة نیز در این رابطه می‌نویسد:

مردم شهری هلال ماه نو را دیده‌اند آیا برای مردم شهرهای دیگر نیز ماه نو اثبات می‌شود یا نه؟... بزرگان در این رابطه اختلاف دارند برخی گفته‌اند هلال ماه نو برای مردم شهرهای دیگر اثبات نمی‌شود، مردم هر شهر باید خودشان ببینند و مانند همین نظر، اثر و فتاوی از ابن عباس نیز روایت شده است...» (ابن مازة حنفی، المحيط البرهانی فی الفقه النعمانی، ۳۷۸-۳۷۹/۲)

نتیجه

بحث از هلال رمضان و شوال یکی از مباحث است که هر سال در کشورهای اسلامی سبب اختلاف چندگانگی شروع رمضان و عید رمضان می‌گردد

بحث از هلال در تمام طول سال می‌تواند متمر ثمره باشد مخصوصا در ماه‌های حرام اما در کتب فقهی به خاطر وجوب روزه در هلال رمضان و عید در هلال شوال بیشتر همین دو ماه مورد بررسی قرار گرفته و بحث شده است.

فقه‌های حنفی برای شناخت و اثبات رؤیت هلال سه طریق، دیدن هلال، کامل شدن سی روز ماه و حکم حاکم پذیرفته‌اند.

در رؤیت هلال گفته شده اگر هوا صاف باشد باید جمعی زیادی هلال را بنگرند اما اگر هوا ابری غبارآلود باشد دیدن یک نفر نیز کافی است اغلب فقها برای شهادت این یک نفر نزد قاضی عدالت را شرط دانسته و برخی دیگر آن را لازم نمی‌شمارند.

کامل شدن سی روز در صورتی می‌تواند علامت شروع هلال جدید باشد که هلال ماه قبل معلوم و مشخص باشد و گرنه محل اختلاف است.

حاکم در صورتی می‌تواند حکم به حلول ماه جدید کند که شرایط شاهدان رؤیت هلال نزدش فراهم باشد و گرنه نمی‌تواند حکم به اثبات رؤیت هلال کند

اتحاد یا اختلاف افق از مباحث اختلافی در فقه حنفی است سه نظریه در این راستا بیان شده است اما نظریه‌ی که مورد پذیرش غالب و اکثر فقه‌های حنفی می‌باشد اتحاد افق است.

پی‌نوشت‌ها

۱. همین عبارات در کتاب هدایه شرح بداية المبتدی، ۹۵/۲-۱۰۳ و شروح متعدد بداية مانند شرح فتح القدير على الهداية شرح بداية المبتدی، ۳۱۸/۲-۳۲۹ با کمی اختلاف در تعابیر و بیان تفصیلی تر ذکر شده است.
۲. «يجب على سبيل الكفاية التماس هلال رمضان فر التاسع والعشرين من شعبان وقت الغروب وهو المأثور عنه عليه الصلاة والسلام، وعن السلف، فان رأوه صاموا...» (صاغر جی، ۳۸۷/۱-۳۸۸)
- «يجب وجوبا كفائيا طلب رؤية الهلال في ليلة الثلاثين من شهر شعبان لأنه قد يكون الشهر ناقصا... كما يجب هلال شوال ليلة الثلاثين من رمضان» (حلبی، فقه العبادات على المذهب الحنفی، ۲۶۳-۲۶۵)
۳. قابل ذکر است که مشهور اصولین مفهوم داشتن جمله شرطیه را پذیرفته‌اند.
۴. استناد به آیه شریفه و روایت نبوی در کتب متعدد مورد استناد قرار گرفته است از جمله می‌توان به الفقه الحنفی و ادلته، ۳۸۸-۳۸۷/۱ هدایه شرح بداية المبتدی، ۹۵/۲-۱۰۳ و شروح آن مراجعه نمود.
۵. از دیگر فقهای که به حکم وجوب روزه با دیدن هلال ماه رمضان در فقه حنفی تصریح نموده می‌توان از ابن رشد قرطبی، زحیلی و دیگران نام برد. ابن رشد می‌گوید: «فان العلماء اجمعوا على ان من ابصر هلال الصوم وحده انّ عليه ان يصوم» (ابن رشد قرطبی، بداية المجتهد، ۲۹۲/۱-۲۹۳)
- زحیلی می‌نویسد: يجب صوم رمضان اما برؤیت الهلال حال صحو السماء... فمن شهد منكم الشهر فليصمه «صموا لرؤيته وافطروا لرؤيته، فان غمّ عليكم فاكملوا عدّة شعبان ثلاثين» (زحیلی، همان، ۳۳۱/۱) اما با این حال ابن عابدین در حاشیه خودش در کتاب صوم متذکر این نکته میشود شخصی که هلال ماه مبارک رمضان را دیده اگر قولش نزد حاکم رد شود آیا روزه بر چنین کسی مستحب است یا واجب؟ می‌گوید در چنین مورد فقهای حنفی اختلاف دارند، اکثر قایل به وجوب روزه است و برخی نیز قایل به ندب و استحباب آن است اما کسی که هلال رمضان را دیده و شهادتش نزد حاکم رد شده اگر روزه نگرفت، ظاهرا در وجوب قضای آن اختلافی نیست زیرا ابن عابدین هم به صورت مطلق می‌گوید اگر در این روز افطار کرد تنها قضا دارد و نیازی به کفاره نیست.
۶. در این که حاکم با شهادت چند نفر و چه شرایط می‌تواند حکم به ثبوت هلال کند در ادامه بحث خواهد شد.
۷. با تلخیص و ترجمه آزاد.
۸. در این رابطه می‌توان به کتب زیر مراجعه نمود (زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۱۶۵/۲ - حلبی، فقه العبادات على المذهب الحنفی، ۲۶۳-۲۶۵ - ابن رشد قرطبی، بداية المجتهد، ۲۹۲/۱-۲۹۳ - ابن عابدین دمشقی، حاشیه ابن عابدین، ۳۱۵/۳ - بغدادی قدوری، احمد بن محمد، ۱۴۶۳/۳ - سرخسی، المبسوط، ۶۰/۲ و...)
۹. هر چند به ادله دیگری نیز تمسک شده است اما این دو روایت تقریبا در همه کتب مورد استناد قرار گرفته است.
۱۰. برای مطالعه بیشتر می‌توان به منابع ذیل مراجعه نمود. ابن عابدین دمشقی، حاشیه ابن عابدین، ۳۱۳/۳-۳۱۶. کاسانی حنفی، بدايع الصنایع فی ترتیب الشرايع، ۱۲۸/۲-۱۲۹. قاری هروی، فتح باب العناية فی شرح کتاب النقایة فی الفقه الحنفی، ۵۲۸/۳. ابن مازة حنفی، المحيط البرهانی فی الفقه النعمانی، ۳۷۷/۲. مدنی، ما استدل به حنفية من آثار صهر ختم خير البرية، ۶۶ و...

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن رشد قرطبی، محمد بن احمد، *بداية المجتهد و نهاية المقتصد*، تصحيح: محمد الامد- ضياء الدين يونس، دار احياء تراث العربی، چ. اول، ۱۹۹۶م.
- ابن عابدين دمشقی، محمد امين، *حاشية ابن عابدين رد المحتار على الدر المختار*، تحقيق: مكتب التحقيق بدار احياء التراث العربی، دار احياء التراث العربی، بيروت، ۱۴۱۹ق
- ابن مازة بخاری حنفی، برهان الدين محمود، *المحيط البرهانی فی الفقه النعمانی*، تحقيق: عبدالکريم سامی الجندی، دار الكتب العلمية، بيروت، چ. اول، ۲۰۰۴م.
- ابن همام حنفی، کمال الدين محمد سيواسی، *شرح فتح القدير على هداية شرح بداية المبتدى*، تحقيق: عبدالرزاق غالب المهدي، دار الكتب العلمية، بيروت، چ. دوم، ۲۰۰۹م.
- اندریتی دهلوی، عالم بن علاء، *الفتاوى التاتارخانية فی الفقه الحنفی*، تحقيق: عبداللطيف حسن عبد الرحمن، دار الكتب علمية، بيروت، چ. اول، ۲۰۰۵م.
- بزازي، محمد بن محمد، *الفتاوى البزازية*، تحقيق: سالم مصطفى البدری، دار الكتب العلمية، بيروت، چ. اول، ۲۰۰۹م.
- حلبی، نجاح، *فقه العبادات على مذهب الحنفی*، مطبعة الصباح، چ. اول، ۱۹۸۶م.
- زحيلي، وهبة، *الفقه الاسلامی و ادله*، دار الفكر المعاصر، بيروت، چ. چهارم، ۱۴۱۸ق.
- زحيلي، وهبة، *الوجيز فی الفقه الاسلامی*، دار الفكر، دمشق، چ. دوم، ۲۰۰۶م.
- زيلعی حنفی، فخر الدين عثمان بن علی، *تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق*، تحقيق: احمد عزو عنایة، دار الكتب العلمية، بيروت، چ. اول، ۲۰۰۰م.
- سرخسی، شمس الدين محمد، *كتاب المبسوط*، دار الفكر، بيروت، چ. اول، ۱۴۲۱ق.
- صاغرچی، اسعد محمد سعيد، *الفقه الحنفی و ادلته*، دار الكلم الطیب، دمشق- بيروت، چ. پنجم، ۲۰۰۸م.
- قاری هروی، ملا علی، *فتح باب العناية فی شرح كتاب النقاية فی الفقه الحنفی (و فی آخره كتاب النقاية مختصر وقاية الرواية فی مسائل الهداية للمحبوبی)*، تحقيق: احمد فريد مزیدی، دار الكتب العلمية بيروت، چ. اول، ۲۰۰۹م.

- قدوری بغدادی، احمد بن محمد، الموسوعة الفقهية المقارنة التجريد، تحقیق مرکز الدراسات الفقهية والاقتصادية دار السلام، قاهره- اسکندرية، چ. سوم، ۱۴۲۷ق.
- قدوری بغدادی، مختصر القدوری، تحقیق: عبدالله نذیر احمد مزی، مؤسسة الريان، بیروت، چ. دوم، ۲۰۰۸م.
- کاسانی حنفی، ابی بکر بن مسعود، بدایع الصنائع فی ترتیب الشرائع، تحقیق: محمدخیر طعمة الحلبي، دار المعرفة، بیروت، چ. اول، ۱۴۲۰ق
- لکنوی، عبدالحی بن عبدالحلیم، عمدة الرعاية على شرح الوقاية، تحقیق: صلاح محمد ابو حاج، دار الكتب العلمية، بیروت، چ. اول، ۲۰۰۹م.
- مدنی، محمد اسحاق، ما استدل به الحنفية من آثار صهر ختم خير البرية، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چ. اول، ۲۰۰۸م.
- نسفی، عبد الله بن احمد حنفی، البحر الرائع شرح كنز الدقائق، تحقیق: احمد عزو عناية الدمشقي، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چ. اول، ۱۴۲۲ق.